

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد اکبر قریشی
۰۴ فیبروری ۲۰۲۳



استاد اکبر قریشی

افغانستان غمگین ترین کشور جهان است!



برای تعیین نمودن جایگاه یک کشور که شادترین و یا غمگین ترین کشور جهان است به علاوه نکات دیگر عمده ترین نکته ای که حایز اهمیت حیاتی است رژیم هائی که حاکمیت را به دست دارند و این که این رژیم ها برای زندگی مردم چه برنامه های دارند می باشد.

نحوه ارزیابی و میزان رضایت افراد از زندگی در کشور شان با نکات ذیل پیوند دارد :

۱ - تولید ناخالص داخلی سرانه

۲ - حمایت اجتماعی دولت

۳ - امید به زندگی سالم

۴ - آزادی انتخاب زندگی خود

۵ - درک و فرهنگ کشور

۶ - سطح فساد داخلی و خارجی

در کشور ما افغانستان در تاریخ معاصر هیچ رژیمی که مشروعیت خود را از مردم گرفته باشد به میان نیامده است و هیچ گاه دست توطئه گر اجانب از کشور کوتاه نگردیده است.

یک دوره کوتاه بعد از استقلال اگر آرامش نسبی زودگذر به وجود آمد دست توطئه گران انگلیس از آستین ملاها بیرون شده جنگ داخلی و متعاقب آن رژیم دست نشانده خانواده پلانی را بر سر کار آوردند.

بعد از انگلیس ها نوبت به روسها رسید که در یک کودتای خونین که مشاوران روسی تدارک دیده بود ابتداء رژیم دستنشانده خود را بر سرکار آوردند و بعداً برای حمایت بیشتر رژیم که در خطر سقوط قرار داشت قوای ۱۲۰ هزار نفری خود را به کشور گسیل داشتند.

در برابر روسها امریکائی هم مزدوران خود را مسلح کردند که جنگ داخلی هست و بود مردم را به آتش کشید و طبقه جوان و مولد یا کشته شدند و یا در جبهات جنگ برای آزادی می رزمیدند.

تولیدات کشور زراعتی به پایان ترین سطح خود رسید و عاید سرانه و تولید ناخالص ملی هم به کم ترین سطح رسید.

نه دولت دستنشانده و نه روسها نمی توانستند و نمی خواستند از مردم حمایت کنند و درجه حمایت اجتماعی دولت گرچه قبل از رژیم کودتا هم چندان محسوس نبود اما جنگ و نابودی تمام زیر ساخت ها و اقتصاد ضعیف و امنیت که در دوران جنگ وجود نداشت به این صورت حمایت دولت و روسها محدود به اعضای حزب حاکم آن هم در شهر کابل بود.

در طرف دیگر جنگ امریکائی ها برای تولید مواد مخدر سرمایه گذاری کردند و تمام زمین های زراعتی توسط فئودالان و احزاب مرتجع اسلامی به کشت کوکنار اختصاص داده شد که زندگی روستائیان را به نابودی سوق دادند.

دهقانان بی زمین و کم زمین و کارگران زراعتی از زمین جدا گردیده و به مهاجرت به صوب ایران و پاکستان برای پیدا نمودن معاش رهسپار گردیدند.

بعد از سقوط رژیم دستنشانده و استقرار باند های جهادی این بار پاکستان به اشاره امریکا آتش جنگ داخلی را برای از بین بردن زرادخانه عظیمی که روسها برای رژیم دستنشانده تهیه کرده بود مشتعل ساختند.

شهرها که تا آن زمان صدمه ندیده بودند در جنگ بین لشکریان خدا مخصوصاً شهر کابل نابود گردید و آنچه باقی مانده بود غنیمت اسلامی لشکریان خدا گردید.

در دوران اشغال امریکائی به علاوه جنگ ترور و نا امنی هم از جانب لشکر نیابتی امریکائیان طالبان و هم از طرف اشغالگران را همه روزه مردم با گوشت و پوست خود احساس می کردند.

اگر طالبان انتحاری می فرستادند امریکائی ها و اروپائی ها برای سرگرمی آدم می کُشتند و بالای اجساد مرده ها می شاشیدند کشتن برای سرگرمی به یک ورزش برای شان تبدیل شده بود.

اگر شاهان و خاقان های اروپائی خود نمی توانستند در مسابقه آدمکشی شرکت کنند به نمایندگی از خود شهزاده های جوان را می فرستادند تا درآمد کشتی تجربه ببندوزند.

چرا افغانستان غمگین ترین و در عین حال فاسد ترین کشور دنیا نامیده شد؟

دلایل آن را گرچه در بالا بر شمردم که این نکات هم از جمله نکات کلیدی محسوب می گردد.

رشد اقتصادی که با فعالیت صنعتی مرتبط است در طول ۴۰ سال حتی در دوران اشغالگران امریکائی رشد اقتصادی و فعالیت صنعتی وجود نداشته و آنچه وجود داشت به صفر تقرب نمود.

عمده ترین فعالیت غربی ها در به وجود آوردن یک قشر کمپرادور و دزد و فاسد خلاصه می شد.

در کشور ما حقوق مأموران دولت کفایت زندگی شان را نمی کرد که در به وجود آمدن فساد حقوق پائین هم رول بسزائی داشت

کمترین تولید ناخالص سرانه، کمترین احساس حمایت اجتماعی، بدترین محیط کار و بالاترین مالیات، نبودن نیروی کار تحصیل کرده و ماهر، پائین ترین ستندرد آموزش، بدترین وضع بهداشت و مراقبت های بهداشتی. تمام ملکیت های دواتی بنا بر توصیه بانک جهانی و صندوق بین المللی به ملکیت خصوصی افراد داده شد. خصوصی سازی برای به وجود آوردن اقتصاد نئولیبرالی در کشور، برای مستعمره سازی کامل اقتصاد عملی گردید.

توزیع نا عادلانه منابع، درگیری های سیاسی جنگ، شرایط بد زندگی، کمبود امکانات و مشکلات اقتصادی، با این همه نابرابری های اجتماعی و اقتصادی زندگی مردم به امید فردای بهتر سپری می شد. با سپردن قدرت توسط غربی ها به طالبان، آخرین امید های مردم را بر باد داده شده و اکنون نه کارخانه و نه مکتب و نه تحصیلات و نه زندگی انسانی در کشور وجود دارد و انسان های وحشی عصر حجر که می خواهند قوانین خدا را تطبیق کنند کشور را به زندان بزرگی برای باشندگان آن و مخصوصاً برای زنان تبدیل نموده اند. کدام کشوری در جهان وجود دارد که با حیوانات وحشی یکجا زندگی کنند و خود را خوشحال احساس کنند.